



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۶۱	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۶۱
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین ۷ شهریور ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۳ شهر ربیع الاول ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبوعه مجلس	قیمت اشتراک داخله ایران سالانه ده تومان خارجه و دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۷ شهریور ماه ۱۳۰۸ * (۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب سرخصی آقایان اسعد و رحیم زاده .. امیر تیور ..
- ۳) بقیه شور دوم لایحه تابعیت از ماده ۷
- ۴) ختم جلسه و تعیین موقع و دستور جلسه بعد

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید

۱) تصویب صورت مجلس

صورت مجلس پنجشنبه ۳۱ مرداد ماه را آقای مؤید احمدی (مذشی) قرائت نمودند * *

* * عین مذاکرات مشروح شصت و یکمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثناء مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * اسامی غائبین که در ضمن صورت مجلس خوانده شده . غائبین با اجازه - آقایان : مجد ضیائی - رهبری - وهاب زاده - زواری - انسر - آشتیانی - فولادوند - اسدی - آقا زاده سبزواری - فرشی - ارستانی - اورنگ - طباطبائی و کلبی - حاج میرزا سید محمود - بیات - ارباب کبکسرو .

غائبین بی اجازه .. آقایان : میرزا حسن خان وثوق - دکتر طاهری - یور محسن - پوشهری - آصف - اعظم - دبستانی رحیم زاده - قوام - حاج رحیم آقا فروزینی .. میرزا ابوالفضل .. آقا رضا مهدوی .. حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک .. تیور تاش - دیر آمده با اجازه - آقای کاشانی - دیر آمده گران بی اجازه - آقایان : مسعود - حکمت ..

رئیس - معلوم میشود در صورت مجلس نظری نیست
(گفته شد خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد - چند
(۲ - تصویب مرخصی آقایان : اسعد - رحیم -
زاده - امیر تیمور - پور محسن و علیخان اعظم)
فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است
قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)
خبر راجع بمرخصی آقای محمد تقی خان اسعد :
آقای محمد تقی خان اسعد نماینده محترم بواسطه
اشتغال بخدمات نوعی تقاضای سه روز مرخصی از اول
تیرماه نموده کمیسیون بامرخصی مزبور موافق و خبر آن
را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم چون نه روز است

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خبر) موافقین

بامدلول رایزیت قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای رحیم زاده :

آقای رحیم زاده نماینده محترم بواسطه کسالت عارضه
و لزوم تغییر آب و هوا تقاضای ۴۵ روز مرخصی از
۱۷ مرداد نموده اند کمیسیون با تصویب مرخصی نماینده
محترم موافق و اینک خبر آن تقدیم میشود

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با کلیه مرخصیها نظر باینکه
استفاده از حقوق میکند مخالفم و الا اگر از آن حیثش
نباشد و مجلس از اکثریت نیفتد موافقم ولی در این
موضوع امروز میخواهم تشکر بکنم که يك شخصی آمده است
و سه ماه مرخصی میخواهد و تمام حقوق مرخصی خودش را
تخصیص داده است مرخصخانه یا منافع عام المنفعه که در
واقع بقراء میرسد میخواهم خیلی تشکر و اظهار رضایت
از ایشان بکنم و امید وارم کار ایشان سر مشق بجهت بنده
و امثال بنده بشود .

رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میفرمایند
قیام فرمایند .

(جم کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . لایحه

(۳ - بقیه شور دوم لایحه تابعیت از ماده ۷)

تابعیت شور دوم مطرح است ماده هفت قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده با
بناهند از کلیه حقوق که برای ایرانیان مقرر است باستثناء
حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت وزارت و یا هرگونه
ماموریت سیاسی در خارجه بهره مند میشوند لیکن
نمیوانند بمقامات ذیل نائل گردند مگر پس از ده سال
از تاریخ صدور سند تابعیت

۱ - عضویت مجالس مقننه

۲ - عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی

۳ - استخدام در وزارت امور خارجه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه نشریف ندارند
که بگویند فلانکس در کمیسیون گاهی موافقت میکرد .
اما برای استحضار آقایان عرض میکنم در کمیسیون

برای تنظیم این ماده و پیشنهادی که رسیده بود ا
اعضاء کمیسیون یکساعت مباحثه کردیم مخصوصاً آقای
فهیجی هم اشرف آوردند يك پیشنهادی کردند قریب
یکساعت و ربع شاید بیشتر این ماده را محل بحث قرار
دادند با اینکه این مسئله خیلی محل بحث واقع شد
معملاً عقیده بنده این است که اصل مخالفت در این
ماده است اصل موضوع این است که دو اصل است که
تمام دانایان عالم اتخاذ کرده اند از برای ملیت یعنی از
برای تبعیت يك مملکت . یکی از آن اصول اصل نژاد
است یعنی کسی که دارای نژاد ایران نیست و میخواهد
دارای این نژاد بشود . این نژاد دارای يك مزایا و
خصایبی است حالا آن کسی که بالتبع آمده است و دارای
این نژاد نبوده است و دارای این حقوق و قومیت نیست
میخواهد وارد این قومیت بشود حالا که میخواهد وارد
این قومیت بشود برای این قومیت يك خصائص و مزایایی
هست . حالا باید بدانیم آن کسی که آمد تابع شد تمام
آن چیزهایی که برای این نژاد هست باید باو داده شود
یا نه ؟ خوب دانایان هر مملکتی يك عقیده پیدا کرده
اند . قهراً این طور است . فرق است بسین چکیده و
چسبیده . واضح است بین آن کسی که چکیده کار است
یا چسبیده . مثلاً آن کسی که چکیده مشروطه است
فرق دارد با آن کسی که چسبیده مشروطه است
فرقش در موقع امتحان معلوم میشود . بله فرق در
اینجا پیدا میشود . این ماده میخواهد فرق بگذارد
مابین آن کسی که هم نژاد است و آن کسی که بالتبع
آمده است آن کسیکه هم نژاد است تمام مزایایی که
از برای آن ملت هست باو داده میشود وزیر میشود وکیل
میشود کفیل میشود مامور سیاسی میشود سفیر میشود
و هكذا اما آن کسی که دارای این مزایا نیست بعضی
چیزها را برای او استثناء کرده اند یکی از آن
مستثنیات این است که نوشته است رسیدن بمقام وزارت
و مقام وکالت و یا هرگونه ماموریت سیاسی در خارجه
اینها باو داده نمیشود ولو اینکه ده سال بیست سال هم

تبعیت نسبت بمملکت ثابت شده باشد. در این (ماموریت سیاسی داده نمیشود) خیلی بحث شد که آیا نسبت بآن مملکتی که قبلاً این شخص تابع آن بوده است یعنی در آن مملکت ماموریت سیاسی باو داده نشود؟ یا مطلقاً ماموریت سیاسی در هیچ جا باو داده نشود باید در این موضوع بحث بشود. بعضی عقیده شان این بود که فقط نسبت بآن مملکتی که قبلاً تبعیت داشته و قطع کرده است ماموریت سیاسی باو داده نشود و بعضی گفتند مطلقاً داده نشود. ولکن بنده و مطلقاً را عقیده ندارم. همین طوری که ما در قانون استخدام اگر نظر آقایان باشد مقام وزارت و کفالت و سفارت و وزیر مختاری را در یک رتبه قرار دادیم اما قونسول و ویس قونسول و ژنرال قونسول و آناش میلیترو اینها را در آن مقام قرار دادیم. بنده در موقع مهاجرت در آن مسافرتی که کرده بودم دیدم که در بعضی جاها مامورین سیاسی ایران و وزیر مختار و سفیر ایران که خیلی مردمان علاقه مند به مملکت هستند ناچار بوده اند در بعضی جاها بعضی مامورین را از اشخاص خارجه قرار بدهند قونسول ایران بودند ولی تبعه خارجه بودند و باعتبار عالمیت و دانائیشان آنها را قرار داده بودند و کارهای خارجه را بآنها رجوع میکردند حالا بنده آقای مخبر عرض کردم و توجه آقایان نمایندگان را جلب میکنم ببینم در این موضوع عقیده شان چیست؟ بنده عقیده ام این است که نوشته شود حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت و وکالت و وزیر مختاری را ندارند اما نسبت به قنصل و جنرال قنصل و ویس قنصل یا بعضی ماموریت های تجارتنی که در بعضی جاها یک تبعه خارجه را ناچار هستند قرار بدهند در صورتی که ما به تبعه ایران این حق را ندهیم بطریق اولی باو نباید بدهیم و این گمان میکنم از برای حکومت خارجه ما و مامورین خارجه ما بکفایتی اسباب اشکال وارد میآورد. مخصوصاً در این وقت که هنوز مردمان کافی زیادی پیدا نکرده ایم برای ادارات دولتی خودمان این است که بعقیده بنده در غالب جاها محتاج میشویم

این يك موضوع. موضوع دوم که در نظر گرفتیم این است در جزء سوم نوشته است استخدام دروزارت امور خارجه یعنی پس از ده سال که تبعیت نسبت به مملکت ثابت شد بمقام عضویت مجالس مقننه که مجلس شورای ملی و مجلس سنا باشد میتواند نایل شود و آنچه های ایالتی و ولایتی (مرحوم) که اگر انجمن ایالتی و ولایتی تشکیل شود عضویت پیدا میکند و ماموریت امور خارجه هم پیدا میکند یعنی تا ده سال بگذرد. در وزارت داخله وزارت عدلیه وزارت معارف وزارت جنگ و وزارتخانه های دیگر میتواند استخدام پیدا کند اما در وزارت امور خارجه باید حتماً ده سال بگذرد و این هم از رتبه ثباتی هست تا مدیر کلی بنده عقیده ام این است که در اینجا ما یک اهمیتی بدهیم و حکومت خارجه ما هم اهمیت دارد و باید در تحت نظر دقیق قرار بدهیم این را هم قرار بدهیم که از رتبه پنج بیالا که رتبه مدیر شعبه است باشد والا ثباتی با منشی دومی و منشی سومی منشی اولی این چیزی نیست که ما بیاییم او را محروم کنیم خوبست از رتبه پنج بیالا را قرار بدهیم که از آنجا بعد از پنجسال باشد و الا بعد از آنکه وزارت آنها همه ارتباط دارند و مطابق قانون مسئولیت مشترک مابین وزراء هست و وزارت آنها بهم دیگر مربوط هستند چطور شد در وزارت جنگ وزارت معارف و سایر وزارت خانه ها قائل هستیم باوجود اشتراکشان حالا که میخواستیم یک تخصیصی بدهیم از رتبه پنج بیالا را تخصیص بدهیم و الا رتبه ثباتی و منشی گری را بنده مخالف هستم. این يك موضوع بود که توجه آقای مخبر را خواستم جلب کنم. موضوع دیگر که عرض میکنم برای توضیح مطلب است چون در صورت مجلس نوشته میشود از برای اینکه در مقام عمل بقانون عمل اشتباه نشود زیرا نوشته است اشخاصی که تحصیل تبعیت ایران نموده یا بیایند (یعنی نموده در سابق و قبل از این قانون) سابقاً مقرراتی دولت ایران داشته است در قبول

تبعیت حالا که این قانون می آید نه این است که مقرراتی که سابق بوده هم میزنند و بعد از این مطابق این قانون رفتار خواهد شد پس این نبوده است نظر مقنن این بوده است که او تبعه است. این یکی است و همینطور عبارتی که نوشته است پس از ده سال از تاریخ صدور سند تبعیت نوشته شود از تاریخ صدور سند تبعیت که در سابق بوده است و با تابعیتی که مطابق این قانون است بنده نظرم برای توضیح است که آقای مخبر هم توجه بکنند تا در مقام عمل محل ایراد واقع نشود بگویند که سندی نبوده است مطابق این قانون خیر سندی که سابق بوده است و مطابق مقررات سابق صادر شده است این مراد از تاریخ صدور سند تبعیت اعم از سند سابق است و سند بعد. این یکی یکی هم این است که سند تبعیت در سابق صادر شده است پنجسال گذشته است پنجسال هم در زمان این قانون میباشد آن پنجسال و این پنجسال مدت را تمام میکند این نظریاتی بود که در اینجا عرض کردم حالا به بینیم نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر -- آقای آقا سید بقوب توجه بفرمایند. با اینکه خود آقا در کمیسیون آمده بودند و متوجه بودند که آنچه درجه در این باب در کمیسیون دقت شده است. بنده منتظر بودم که آقا باستناد اغتماد برفقای خودشان مفصلاً در این باب مخالفت نکنند اولاً فرمودند که ملیت محقق میشود در صورتیکه توام با نژاد بشود این حرف صحیح نیست برای اینکه ممکن است يك کسی که ایرانی نباشد یعنی از نژاد ایرانی نباشد تبعیت قبول کند در اینصورت ایرانی است پس آقا فرمودند که ملیت نتیجه توام شدن با هم نژادی است این بنظر بنده صحیح نبوده است هرکس از اتباع خارجه بیاید تبعیت ما را قبول کند ما او را ایرانی میدانیم اما ایرانی نژاد میدانیم این است که ملیت تابع هم نژاد بودن نیست. قسمت دیگر خلاصه مخالفت ایشان این است که

محرومیت بنحو اطلاق نسبت بماموریت سیاسی در خارجه صحیح نیست بنده عرض میکنم تبعه خارجه که وارد میشود در این مملکت اگر فرض کنیم يك آدم خیلی لایقی است که میتواند ماموریت های مهمه را انجام بدهد نسبت باین اشخاص ما در داخله مملکت هم میتوانیم احتیاج داشته باشیم چه ضرورتی دارد که ما حتماً تخصیص بدهیم که از ماموریت سیاسی او استفاده نکنند و خودشان توجه کردید بدلائلی که جهة عمده اش این بوده است که امتحان و آزمایش بشود و تجربه دهساله و پنج ساله اجازه نمیدهد که ما بطور قطع باین قبیل اشخاص ماموریت های سیاسی خارجه را بدهیم و اما راجع به قسمت سوم که فرمودید چرا بیش از ده سال تبعیت نداشته باشد نمیتواند داخل خدمت در وزارت امور خارجه بشود این هم جوابش این است که دولت برای آزمایش و تجربه و امتحان لیاقت اشخاص احتیاج کامل دارد باینکه تجربیاتی پیدا کند بعد خدمتاتی بآنها رجوع کند اگر يك کسی آمد در ایران و تبعیت قبول کرد و بالاخره معلوم شد آدم لایقی است ممکن است در عدلیه داخل خدمت شود ولی اصرار اینکه حتماً در وزارت خارجه هم باشد این چه ضرورت و احتیاجی دارد و تصور میکنم دیگر مطلبی آقا فرموده باشند. قسمتی هم که فرمودند این قانون شامل یعنی مؤثر در اشخاصی که سابقاً تبعیت ایران قبول کرده اند نیست. این را بنده درست نفهمیدم اگر مقصود این است اشخاصی که سابقاً قبول تبعیت کرده اند و از آن تاریخ تا بحال ده سال گذشته یعنی تبعیتشان بموجب قوانین موجوده در عصر تصدیق شده است و تبعه شناخته شده است و دهسال هم گذشته است البته امروز دیگر نیایستی ده سال ازش بگذرد تا از این حقوق بتواند استفاده کند ولی اگر نظر دیگری هست البته باید توضیح داده شود

رئیس -- آقای عدل

بکنفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - آقای باستانی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - بنده بعضی عرایض داشتم که در ضمن فرمایشات آقای آقا سید یعقوب و آقای مخبر معلوم شد دیگر مجلس را معطل نمیکند

رئیس - آقای فهمی

فهمی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که آقای شریعت زاده که يك آدم مبرزی است بعروض بنده توجه نمیفرمایند و اگر يك وقتی صورت مجلس را ملاحظه بفرمایند تصدیق میکنند که بنده چیزی نگفتم که دلیل بر مخالفت باشد. بنده عرض کردم این کسیکه تبعه شده است دارای ملیت و نژاد نیست در این جا اختلافی هست تبعیت را از دو اصل ایجاد کرده اند یکی اصل خون است که گفته اند از این خون باشد بنده گفتم فرق است بین چکیده و چسبیده این معلوم است تبعه نژاد ایران نیست ولی تبعه ایران است ولی موضوع دیگر را هم جواب فرمودند و متأسفانه ما نماینده وزارت خارجه نداریم که در این جا توضیح بدهد که آیا ما اینقدر در خارجه و وزارت امور خارجه مأمور ایرانی داریم که محتاج نباشیم بقسول تبعه خارجه یا خیر. بنده خردم در اسلامبول دیده ام آقایان هم البته بخارجه رفته اند دیده اند که ناچار هستند چون ندارند ناچارند که قنصل و قنصل رابعه خارجه قرار بدهند ولی بعد از این دیگر این قانون نخواهد گذاشت. بنده نظرم این بود که همان جور که وزارت و کفالت وزارت را منحصر کردیم سفارت و وزارت مختاری و قنصلگری و ژنرال قنصلگری را هم بعد از تاریخ صدور سند

تابعیت ده سال قرار بدهید نظر بنده نوسه دادن است که گرفتار نشوند میفرمایند اگر همچو کسی باشد نود دروزارت عدلیه. بنده نمیگویم نود بنده این را برای نوسه و اینک دست وزارت امور خارجه باز باشد عرض میکنم حالا دیگر بسته است به نظر آقایان و نظر خود آقای مخبر. در کمیسیون هم عرض کردم در وزارت خارجه و در همه وزارتخانهها رتبه ثباتی و رتبه ۱ - ۲ - ۳ - ۴ هست آنها را معاف کنیم و از رتبه ۵ که رتبه مدیری شعبه است و در واقع وارد در ماهیت حکومت میشود آنجا را ما بیائیم تخصیص بدهیم والا بعد از صدور سند تابعیت همانطور که در وزارت داخله میتواند داخل رتبه ثباتی شود در وزارت خارجه هم میتواند رتبه ثباتی داخل شود در وزارت خارجه ممنوع باشد این را بنده نگفتم توجه بفرمایید به بنده بنده چه عرض میکنم. عرض میکنم يك مقرراتی ما در سابق داشتیم نه اینکه بگوئیم این قانون آن مقررات را باطل میکند آن مقررات هم طور صحیح است تا وقتی که این قانون بگذرد و بموقع اجرا بیاید بعد عمل باین قانون بشود

مخبر - بنده در توضیح قسمت اول اظهارات ایشان نظر انتقاد آمیزی نسبت به آقا داشتم فقط خواستم عرض کنم که تبعیت لازمه اش هم نژاد بودن نیست این اشکالی ندارد خود ایشان هم موافقتند قسمت دیگر فرمودند که مجاز باشد برتبه ثباتی داخل شود. البته آقا از اوضاع اداری مستحضر هستند که اگر دلائلی باشد در وزارت خارجه که بموجب آن دلائل مقتضی نباشد بکارهای بزرگتری برسد همان دلائل در مورد ثبات هم هست و این اساساً يك جهتی داشته است که بنده نخواستم در اینجا بیشتر مباحثه شود و حالا هم عقیده ام این است که آقا هم خواست موافقت بفرمایند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - رأی میگیریم بماده هفتم موافقین. قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - درخواست تابعیت باید مستقیماً بابتوسط حکام یا ولات بوزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد

۱ - سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کنند و عیال و اولاد او

۲ - تصدیق نامه نظمیه دائر بتعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش. وزارت امور خارجه رسیدی بتعیین تاریخ وصول داده و در صورت لزوم اطلاعات راجعه بشخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت وزراء در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا برای خاطر توضیح عرض میکنم که در مقام عمل دچار اشکال نشویم این جا نوشته است: دارای منضمات ذیل باشد:

اول سواد مصدق. خواستم به بینم این چه چیز است قانونی ما داریم که معین کرده باشد سواد مصدق کدام است مقصود سواد مصدق است که در عدلیه میگویند یا در يك وزارتخانه باید باشد و یا با يك اعضاء کفایت میکنند این را توضیح بدهند دیگر اشکالی ندارم در این باب موضوع دیگر این بود که خواستم این هم تحت بحث آمده باشد این جا نوشته است سواد مصدق دیگر مینویسد تصدیقنامه نظمیه. بعد هم نوشته است وزارت خارجه اطلاعات راجعه باوراً ضم کند. در صورتیکه اختلاف واقع شود مابین اطلاعاتی که از ادارات پالیس میآید با وزارت در این صورت

اینجا نمیدانم حکمش چه چیز است این هم چون عبارت گنگ است و غیر معین ولی چون این حکم را قرار دادیم که هرطوری هیئت وزراء تصمیم اتخاذ کرد همانطور رفتار میشود البته آن اختلاف هم رفع میشود حالا خواستم به بینم این جا چه نظری دارند؟

مخبر - عرض کنم آقا متوجه هستند که اسناد مربوطه بهویت در عداد اسناد است و هر سندی قبل برداشتن سواد است. اسناد مربوطه به هویت اول از اداره سجل احوال داده میشود اگر آن نباشد از اداره ثبت اسناد اگر آن نباشد از عدلیه اگر آن هم نباشد از دفاتر محاکم عدلیه صادر میکنند و این دیگر اشکالی ندارد مطلب دیگر فرمودند که اگر تنافی و تعارضی بین اطلاعات نظمیه و وزارت خارجه پیدا شود اینجا تشخیص دادیم که هیئت وزراء حق قضاوت دارد و تشخیص میدهد اگر اطلاعات نظمیه مرجح باشد آن را ترجیح میدهد و اگر اطلاعات وزارت خارجه مرجح باشد آن را ترجیح میدهد و رأی بقبول یا رد میدهد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجاییکه نظرم در قانون گذاری اولاً آسانی آن قانون و نافع بودن آن قانون است عقیده ام این است که در اینجا بجهت اشخصیکه میخواهند قبول تابعیت ایران را بکنند بعضی شرائط شده که کان نمیکند لازم باشد. فرضاً یکی نداشتن سوء سابقه را شرط کرده یکی داشتن مکنت کافی یا يك شغلی که کفایت امرار معاش او را بکند بنده عقیده ام این است که خواست این ماده را اصلاح کنیم و این دو شرط را از آن برداریم که هر کسی بتواند داخل شود چیزی که هست در جواب خواهید فرمود که اشخاص بی سابقه را نمیخواهیم به تبعیت خودمان قبول کنیم یا اشخاص فقیر و بی چیز را در مملکتمان داخل کنیم مبادا اسباب زحمت بشوند بنده این را عقیده ندارم در جلسه قبل هم عرض کردم ما بنوع بشر باید مهربان باشیم و هر کسی را

به تابعیت خودمان قبول کنیم چیزی که هست در صدد باشیم اگر آنها کار بدی کرده اند کار زشتی کرده اند مثل اینکه از اتباع اصلی خودمان جلوگیری میکنیم از آنها هم بکنیم و نگذاریم مرتکب اعمال سابقه خودشان بشوند و همچنانکه رعابای اصلی خودمان را تحت قید و قانون در می آوریم آنها را هم بهمان نظر در بیآوریم و مجبورشان کنیم در تبعیت ایران و نگذاریم. مردمی که مایل تبعیت ما هستند آنها را قبول نکنند.

مخبر بنظر بنده آقا در مسائلی که میفرمایند در مجلس با حسن نیت بیان مقصود میکنند ولی تطبیق نیت ایشان با مصالحتهایی که در وضع قوانین ضرورت دارد مشکل است. مثلاً میفرمایند داشتن سوء سابقه یا فقر و متکدی و فقیر بودن نباید مانع باشد. بنده تصور میکنم در تمام ممالک قوانینی که وضع میشود برای این است که جرائم ارتکاب نشود. وقتی که يك کسی بموجب يك سابقه معین شد که این آدم کلاه برداری است يك مملکتی نمیتواند اجازه بدهد که اشخاص کلاه بردار تبعه اش بشوند چرا برای اینکه این عمل عادی است و لازمه اش این است که يك مقدار کلاه های زیادی در اینجا بردار آنوقت فایده ازش که نبردند هیچ ضرر هم رده اند این یکی. دوم این که فرمودید فقر مانع نیست اساساً در قبول تبعیت بانکثیر نفوس برای این است که عوامل کار ایجاد بشود يك کسیکه نتواند کار کند و کاری ازش برنیاید که معاش خود را تأمین نماید این يك آدم زائیدی است در جامعه و جامعه که احتیاج دارد باصلاح اشخاص و میخواهد عوامل کار تهیه کند و سعی کند وسائل کار را فراهم نماید دیگر چرا از خارج اشخاصی که وسائل کار و معیشت ندارند قبول کنند بنظر بنده این اشکال هم وارد نیست.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - رأی میکنیم. ماده موافقین با ماده هشت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹ قرائت میشود

(بمضمون آتی خوانده شد)

ماده ۹ - زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن بلوغ (مطابق قانون مملکت متبوع سابق پدر خود) میتوانند اظهاریه کتبی بضمیمه تصدیق مذکور در ماده ۲ بوزارت امور خارجه داده و تبعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول ننهند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - مخالفی نیست؟

یاسائی - اجازه میفرمائید بنده يك توضیحی لازم میدانم.

رئیس - فرمائید

یاسائی - عرض کنم در این جا بنده خواستم عبارتش اصلاح شود این جا نوشته است (از تاریخ رسیدن بسن بلوغ مطابق قانون مملکت متبوع سابق پدر خود) ما قرار دادیم که آن را تبدیل گشتند به هیجده سال بنا بر این این عبارت هم باید اصلاح شود

مخبر - صحیح است

رئیس - پیشنهاد هم شده است

یاسائی - بسیار خوب اگر پیشنهاد شده است که هیچ

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۹ بطریق ذیل اصلاح شود: در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام میتواند اظهاریه کتبی بوزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر یا شوهر خود را قبول کند لکن اظهاریه اولاد ذکور باید تصدیق مذکور در ماده در ضمیمه شود یعقوب الموسوی

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟

رئیس - فرمائید

آقا سید یعقوب - بنده با آقای مخبر عقاید خودم را عرض کردم در آنجا که آقای یاسائی فرمودند همان است که در مواد سابق اظهار کردیم و محتاج نیست. ولی در آن قسمت دیگر که مینویسد بضمیمه تصدیق مذکور در ماده دو یعنی دولت متبوعش تصدیق کند که من تبعیت این شخص را قبول میکنم فلسفه این را آقای وزیر عدلیه اظهار کردند که شاید فراری از نظام باشد چون عنوان نظام در زن نیاید. زنی بوده است و شوهر ایرانی کرده است بعد شوهرش مرده است میخواهد برگردد به تبعیت مملکت خودش دیگر در این جا لازم نیست که دولت متبوعش حتماً این تصدیق را بکند. این را با آقای وزیر عدلیه صحبت کردیم و قبول کردند ولی نسبت بذکور بایستی این ملاحظه فرار بگیرد این بود که بنده این اصلاح را کردم.

مخبر - اجازه میفرمائید بنده این پیشنهاد را يك نگاهي بکنم؟

رئیس - ای. آقای یاسائی

یاسائی - عرایض بنده يك قسمت همان بود که قبول کردند و بیک قسمت دیگر راجع است باین عبارت که اینجا نوشته میتواند اظهاریه کتبی بضمیمه تصدیق مذکور در ماده ۲ بوزارت امور خارجه داده و تبعیت پدر یا شوهر را قبول کند. اگر پیشنهادتان اینطور است که

فقط راجع بزنی است که صحیح است (آقا سید یعقوب - بلی همینطور است) ولی راجع باولاد این اعتراض وارد نیست همان فلسفه خدمت نظامی در این مورد هم هست اگر پیشنهادتان اینطور است بنده هم موافقم.

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

یاسائی - اجازه میفرمائید يك مرتبه دیگر قرائت

شود؟

رئیس - (خطاب منشی) يك مرتبه دیگر قرائت

بکنید

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً بترتیب سابق

قرائت شد)

مخبر - این پیشنهاد آقا تأمین نظر حضرتعالی را

آقای یاسائی میکنند برای اینکه این پیشنهاد میگوید که باید اظهار نامه بوزارت امور خارجه بدهد و بعد از تقدیم آن اظهار نامه تبعه دولت متبوع پدر یا شوهر است در اینجا بآن کلی يك قیدی ضمیمه شده است که اگر این اظهار نامه از طرف اولاد ذکور داده شود باید تصدیق مذکور در ماده ۲ با ضمیمه شود

رئیس - پیشنهادی هم شده است که بجای کلاه بلوغ

هیجده سال نوشته شود.

(آقای مؤید احمد منشی پیشنهاد مزبور را باین

مضمون قرائت نمودند)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بنده در ماده ۹ پیشنهاد میکنم بجای مطابق قانون مملکت متبوعه سابق پدر خود نوشته شود: هیجده سال

مؤید احمدی

مؤید احمدی - نظریه بنده تأمین شده است دیگر

لازم نیست

رئیس - آقایانی که با ماده ۹ با اصلاحی که از

طرف آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد شده است آقای مخبر

قبول کردند موافقت میکنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده دهم - تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه در باره اولاد او که در تاریخ تقاضا نامه مطابق قوانین مملکت متبوع خود کبیر بودند مؤثر نمیشد

رئیس - نظری نیست در این ماده ؟

آقا سید یعقوب - چرا اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - در اینجا هم گمان میکنم بجای آن عبارت مطابق قوانین مملکت متبوع خود کبیر بودن باید بسن هیجده سال نوشته شود چون همه يك نسق است. پیشنهاد هم میکنم

رئیس آقای یاسائی

یاسائی - بنده خیال میکنم این مورد غیر از سایر موارد است گفته میشود شخصی که تابعیت يك دولتی را قبول میکنند تأثیر در اولاد او ندارد. در اینجا نمیشود نظریه سن اولاد را مداخلت داد بالاخره در هر مملکتی که هست اگر تابعیت پدر او قبول شد تابعیت پدرش تأثیری در اولاد ندارد و سن بلوغی که در آن مملکت هست باید آنرا در نظر گرفت

مخبر - بنظر بنده باید این عبارت اصلاح شود برای اینکه ما بطور کلی واصل سن هیجده سال را مناط قرار دادیم و تحصیل تابعیت ایرانی در باره اولاد مؤثر نیست تا وقتی که بسن هیجده سالگی رسیده ولی وقتی که بسن هیجده سالگی رسید آنوقت با اختیار خودش اگر تابعیت ایران را قبول کند قبول خواهد شد و هیچ مانعی نیست. (خطاب با آقای آقا سید یعقوب)

پیشنهاد بفرمائید

آقا سید یعقوب - بلی. پیشنهاد شده است.

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بدین هیچ قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عوض کلمه مطابق الی آخر نوشته شود هیجده سال تمام.

مخبر - موافقت میکنم.

دشتی - بنده مخالفم.

رئیس - عضو کمیسیون عدلیه هستید؟ بنظر من نظر آقای یاسائی تأمین نشده است.

یاسائی - آقای مخبر که اظهار موافقت کردند. حالا خودش يك ماده مستقلی است که غیر از اعضاء کمیسیون دیگران هم میتوانند مخالفت کنند.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید بنده توضیح بدهم ؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای یاسائی توجه بفرمائید ما آمدیم در اینجا در شور اول راجع باین کلمه يك عبارتی در مجلس گفته شد مخصوصاً آن عبارتی که آقای فیروز آبادی اظهار کردند و آقای شریعت زاده در کمیسیون توضیح دادند که ما باید نسبت به بلوغ در قانون خودمان يك اصلی را اتخاذ بکنیم قانون اساسی ما اینست که ما مسلم کرده است و مشروطیت ما اصلش قانون اساسی است يك اصولی که در قانون اساسی مؤسس شده است دیگر ما نباید هرروز بیائیم باین قانون دیگر يك جور دیگرش کنیم اینجا قانون مملکتی ما در مقام امور سیاسی تصریح کرده است اصل راهیجده سال اینجا هم همان است آقای یاسائی. در ایران آمده است و تحصیل تابعیت ایرانی کرده است. . . .

یاسائی - ممکن است در فرانسه باشد.

آقا سید یعقوب - باشد در فرانسه هم تبعه ایران که شد سن بلوغ ایران هیجده سال است بنده میگویم همین شخص که در پاریس تبعه ایران شده است بنا

ایران که واقع شده است قانون ایران بر او حکومت میکند قانون ایران میگردد سن رشد سیاسی هیجده سال است نسبت بخودش نسبت باولاد و تمام فامیلش پس ما نمی توانیم نسبت باین کسی که تبعه ایران است قانون فرانسه را در باره اش اجرا کنیم ما آمدیم معین کردیم که سن بلوغ سیاسی مملکت ایران هیجده سال است چه نژاد ایرانی باشد چه تبعه ایران شده باشد پس همانجوری که در مواد دیگر قبول کردید اینجا هم باید رعایت کنید چه در ایران باشد چه در فرانسه باشد پس همینطوریکه در پیشنهاد نوشته شده است شما هم قبول کنید.

رئیس - (خطاب با آقای مخبر) نظر شما همانست که فرمودید ؟

مخبر - بنده لازم میدانم يك توضیحی برای اقتناع آقایان عرض کنم در ماده ۴ تصریح شد که کسی که تقاضا دارد به تبعیت ایران قبول شود باید بسن هیجده سال تمام رسیده باشد این يك اصلی است پس هر تبعه خارجی که سنش به هیجده سال رسیده باشد از دولت ایران تقاضای تابعیت کند در صورتیکه شرایط دیگر درش وجود داشته باشد این تقاضایش قبول میشود این جا نوشته شده بود سن بلوغ مملکت متبوع خود یعنی در خبری که تقدیم شده اینطور بود ولی در شوری که در مجلس شد معلوم شد و آقای وزیر عدلیه هم موافقت کردند که سن هیجده سال که رشد سیاسی ایران است در تمام مواد رعایت شود حالا آقا نظرتان چه چیز است؟ اگر نظرتان این است که باید مناط اعتبار قانون مملکت متبوع پدر آن صغیر باشد بنده این را صحیح نمیدانم چون پدرش که قبول تبعیت ایران را کرده است بچه اش وقتی که بسن هیجده سال رسید اگر بگوید من میخواهم تبعیت ایران را قبول کنم و تقاضا کرد مشمول ماده چهار است و قبولش میکنند پس آقا که نظر دارند تبعیت این شخص وقتی قبول شود که بسن بلوغ مملکت خودش رسیده باشد در اینجا تنافی

و تعارض با آن ماده اصلی پیدا میشود
رئیس - پیشنهادی از آقای یاسائی رسیده است قرائت میشود

(باین نحو قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

بنده پیشنهاد میکنم باصل ماده دهم رأی گرفته شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده اصراری در پیشنهاد خود ندارم

ولی قضیه مورد بحث واقع شود البته بهتر است بنده هم این پیشنهاد را از این نقطه نظر کردم ما اگر گفتیم تحصیل تابعیت بکنفر خارجی تأثیری در اولادش در سن صباوت ندارد بنظر بنده بهتر است اگر ما تجدید کنیم بسن معینی بضرمان تمام میشود فرض کنید يك تبعه فرانسوی که فرضاً بیست و یکسال را سن بلوغ میدانند برای پدرش مطابق قانون مملکت پدرش بیست و یکسال مقرر است که بالغ شود تا بسن بیست و یکسال نرسیده صغیر است و اگر سن هیجده سال را قرار دادند سنی است که صغیر او تمام میشود زود تر او کبیر میشود و زود تر او از تبعیت ما خارج میشود ولی اگر این اصل را که اولاد در تابعیت تابع پدرش است قبول ندارید این مسئله دیگر است این را که ما قبلاً گفتیم که صغیر در تابعیت تابع پدرش است این وقتی مسلم شد صغیر فرانسوی که بیست و یکساله کبیر میشود چرا سنش را بیاریم پائین؟ یا همینطور فرض کنید در سوئد که بیست و سه سال سن بلوغ است چرا ما بیائیم پنجسال کم کنیم؟ اینجا با آنجا فرق دارد معذک توضیح بدهند اگر بنده اشتباه بکنم پیشنهادم را استرداد میکنم

مخبر - البته بنده تصدیق میکنم نظر آقای دشتی و

آقای یاسائی راجع باین موضوع اساساً قابل ملاحظه است از نقطه نظر موازین و اصول ولی مطالباتانی که در کمیسیون شد منتهی باین شد که اصول معتبره در يك

ملکیتی را جمع بصره بپس بیاورد که در وضع قانون مراعات سن رشد سیاسی را در ملکیت خودش نکند پس این اصل اساساً يك اصل محترمی است و باید تحت نظر گرفت فقط آقای یاسائی متوجه يك نکته دقیقى شدند و از این حیث بنده تقدیر میکنم ولی اگر بیشتر وقت شود معلوم میشود که این يك تفاوت بی اثری است زیرا اگر ما فرض بکنیم که تا سن بیست و يك سالگی يك کسی صغیر است آنوقت اهلیت هیچ کاری را ندارد چون ما تصدیق صغیر را میکنیم که تبعیت او برای ما مفید فائده باشد پس خود این مطلب مرجح فائده نیست و بعلاوه ضرری هم مانع برعکس از آن طرف عدّه اشخاصی که سن هیچده رسیده اند و شاید مایل به تبعیت ما باشند که ممکن است از وجود آنها بیشتر استفاده بشود در همان مدت بین هیچده تا بیست و يك زیاد است. این است که بنظر بنده اگر ما دوستون حساب باز کنیم قبول سن مربوط برسد سیاسی ایران بهتر و مناسب تر است و بنده از نماینده محترم استدعا میکنم که این پیشنهادشان را مسترد بدارند برای اینکه این ماده علاوه بر آنکه این اصلاح باید درش بشود اصلاحات دیگری دارد که بنده از خود آقا خواهش کردم که يك پیشنهادی بدهند نماینده چه شد.

آقا سید یعقوب -- آن راجع بماده بازده است . یاسائی - بنده پیشنهاد مرا استرداد میکنم ولی گمان میکنم که يك پیشنهادی شده است که این ماده بماند تا با حضور خود دولت مطرح شود .

دشتی - بنده این پیشنهاد آقای یاسائی را قبول میکنم رئیس -- اجازه میفرمائید این ماده بماند برای بعد روحی - اجازه میفرمائید ؟ بنده مخالفم رئیس - این راه حلش این است که آقای مخبر این ماده را اگر صلاح میدانند مسترد کنند فهیمی - بنده پیشنهاد کرده ام

یاسائی - پیشنهاد آقای فهیمی قرائت شود . مخبر - قرائت شود . رئیس - پیشنهادی نداده اند . فهیمی - چرا . (پیشنهاد آقای فهیمی بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ده عجزاً مسکوت عنه بماند تا در کمیسیون تجدید نظر شود جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس - خطاب با آقای فهیمی بفرمائید فهیمی - اگر چه توضیح زیادی نمی خواهد ولی همان طور که آقایان محترم فرمودند مخصوصاً آقای مخبر هم تصریح کردند این ماده خیلی محل مطالعه و دقت است زیرا مورد مورد تصادف و تصادم بین قانون مهم دو ملکیت است یکی ملکیت ایران یکی ملکیت کسی که تبعیت دولت ایران را میخواهد قبول کند و پسرش هنوز سن رشد مطابق قانون همان ملکیت نرسیده است پس این موضوع ساده نیست و باید خیلی در اطرافش مطالعه بشود و چون مذاکره هم طول میکشد بهتر این است ماده مسکوت عنه بماند و برود بکمیسیون نماند آنجا تجدید نظر شود و يك راپورت جامعی برای این ماده ترتیب بدهند .

مخبر -- عرض میکنم البته نظر نظر آقایان نمایندگان است که بحث در این ماده بکنند با آن را بتأخیر بیندارند . ولی بنظر بنده بهتر این است که پیشنهادی که میشود مستند بيك دلیلی باشد که اگر آقا بنده بنظر موجه بیاید . این جا گفته میشود که باید سن بلوغ ملکیت سابق آن شخص مراعات شود بنده عرض می کنم که هیچ دلیلی برای تأمین این نظر وجود ندارد زیرا اگر آن شخص را آن دولت صغیر حساب کند تبعه ایران است اگر هم ما صغیر حسابش بکنیم و تبعیت او را تصدیق کنیم این هم اشکالی ندارد . در هر صورت نه از نقطه نظر اصول و نه از نظر قانون گذاری اشکالی ندارد

رئیس - رأی سکوت غالباً برای بنده نظری است و در این موضوع محل اشکال است چون نظامنامه برای رأی سکوت میکوبد رأی سکوت را باید در مورد نتیجه گرفت و حالا بنده نمی دانم که در اینجا میشود برای يك ماده رأی ساکت گرفت ؟ ...

دشتی - بنده تقاضای ارجاع بکمیسیون میکنم رئیس - چون نظر تسهیل امر است خوب است آقای مخبر ارجاع بکمیسیون را قبول بفرمائید جمعی از نمایندگان - صحیح است .

مخبر - چون بنده اینطور استنباط کردم که آقایان مایل هستند در این باب با وزیر مسئول مذاکره کنند و بیشتر مطالعه بفرمائید بنده موافقت می کنم که عجله شور در این ماده بماند و مواد دیگر بپردازیم تا با وزیر صحبت بکنند ...

رئیس - ماده بازدم قرائت میشود ...

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید ؟ این مطلب سابقه ندارد . . .

طباطبائی دیبا - این برخلاف نظامنامه است .

رئیس - خیر مانعی ندارد و از طرف مخبر هر وقتی استرداد ماده ممکن است تقاضا شود این خیلی آسان است و مانعی هم ندارد . میل دارید تصریح بفرمائید ؟

آقا سید یعقوب - آقای مخبر شما ارجاع بکمیسیون را قبول کردید ؟

مخبر - عرض کنم که پیشنهادی برای ارجاع بکمیسیون شده است اگر تقاضای ارجاع بکمیسیون بشود بنده مخالفتی ندارم .

عده از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- ماده بازدم قرائت میشود .

ماده ۱۱ - زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج

ایرانی میشود میتواند بعد از تفریق یا فوت شوهر ایرانی بتابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او سن بیست سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه میشود مطلقاً حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت ولو اینکه حق مزبور باتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه قبلاً دارای اموال غیر منقول بوده و یا بعداً بارت اموال غیر منقولی باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران با دارا شدن ملک در مورد ارت آنرا بتجوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت با آنها داده خواهد شد .

رئیس - آقای دشتی

دشتی -- در این ماده بنده در نظر دارم یکی اینکه زن غیر ایرانی که اولاد دارد حق داده میشود که تابعیت اولیه خودش را قبول کند (پس از فوت شوهر ایرانیش) ولی اگر بچهاش بیست ساله نشده باشند نمی توانند . بنده هیچ فلسفه و مقصود این شرط را نفهمیدم که چه چیز است این زن که خودش مانع است و میتواند به تبعیت خودش برگردد دیگر ما نباید آزادی افراد مردم را محدود بکنیم . یکی دیگر اینکه این چا مینویسد : اولاد او سن بیست سال تمام . این چا هم عرض میکنم سن بلوغ ملکیت ما هیچده سال است و در يك ماده دیگر هیچده سالگی را سن بلوغ قرار دادیم ولی این چا سن رشد را بیست سال قرار داده است . . . آقا سید یعقوب - این ایراد درست است . بنده پیشنهاد کردم .

دشتی - در صورتیکه بلوغ سیاسی را ما هیچده سالگی

قرار داده ام. مسئله دیگری که بآن اعتراض دارم این است که يك زنی که تبعیت اولیه خودش را قبول می کند در ماده مینویسد که این زن دیگر حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهد داشت ولو اینکه این حق را سابقاً از اتباع خارجی داشته باشد. این راهم بنده نفهمیدم چرا. در صورتیکه این زن برگردد به تبعیت سابق خودش آنوقت مثل سایر اتباع خارجی خواهد شد و چرا آنها استفاده نکنند و این شخص نکند؟! این چه اختصاصی است؟ برای این است که این زن يك مدتی ایرانی بوده است؟! برای این. این حق را از او سلب میکنند؟! این چیز عجیبی است و حال آنکه باید برعکس باشد.

مخبر - البته آقا در نظر دارند قانونی که وضع میشود واضح باید در موقع وضع آن مراعات جهات مختلفه را بنماید. از آنجمله در موقع قانون تابعیت مقنن باید فکر کند که اگر يك نفر ایرانی آمد وزن خارجی اختیار کرد بعد هم فوت نمود نسبت با اولاد او چه نظری باید اتخاذ شود. مقنن اشخص میدهد که مادر از همه کس با اولاد نزدیکتر است از حیث پرستاری و تربیت از همه حیث لیاقت و صلاحیت او بیشتر است باین جهت قانون گذاران زن را الزام میکنند که باید تا فلان سن قبول تبعیت دیگر را نکنند حالا میفرمائید این چه تحدیدی است که میشود بنده عرض میکنم که این تحدید خیلی مفید است و هیچ مانع اصولی هم ندارد زیرا آن زن خارجی که میاید و ازدواج با مرد ایرانی را قبول میکند مطابق قانون او و با علم بقوانین آن مرد قبول میکند و ازدواج میکند بنابراین آزادی آن زن در اینجا نقض نشده است و خود او قبول کرده است. نسبت بقسمت دیگر بیانات نماینده محترم هم پیشنهاداتی شده است که انظر به ایشان را تامین میکند

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم. مخالفی ندارد

ضیاء - بی مازاد باید نوشت

یاسائی - بی مازاد است

رئیس - یکبار دیگر قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد)

در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجی می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجی داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقولی بیش از آنچه که برای اتباع خارجی داشتن آن جایز است بوده و با بعداً بارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند (صحیح است) والا اموال مزبور . . آقا سید یعقوب -- همین جا . همین جا باید مازاد

نوشته شود بجای والا اموال مزبور

عده از نمایندگان - خیر. مازاد جلو بود عبارت

پیشنهاد صحیح است

مخبر - آقای آقا سید یعقوب اگر بخواهند بعنوان نذکر فرمایشی بفرمایند اشکالی ندارد ولی اگر بخواهند بگویند که این عبارت یعنی قسمت اخیر ماده نظر . بفروش تمام اموال است این طور نیست ه-م از عبارت قبل و هم از مواد قبل مستفاد می شود که مازاد بفروش میرسد و اشکال آقایی مورد است. (صحیح است)

رئیس - دو پیشنهاد از آقای دشتی و آقا سید یعقوب رسیده است که بنظر بنده هر دو یکی است. قرائت میشود :

(هر دو پیشنهاد این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جمله اولاد به بیست سال تمام نرسند مبدل شود به ۱۸ - دشتی

در ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم عوض کلمه سن بیست

سال نوشته شود ۱۸ سال تمام - یعقوب الموسوی

مخبر - بنده موافق هستم با تبدیل بیست به بیست و پنج.

رئیس - رای میکنیم ماده نهم با افزایش اصلاحی که از طرف آقای یاسائی پیشنهاد شد و آقای مخبر قبول کردند و تبدیل مدت بیست به بیست و پنج . موافقین قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دوازدهم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۲ - زن ایرانی که باتبعه خارجی مزاجت می نماید بتابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون ملکیت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بزوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق صرف تقدیم در خواست وزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه بآن مجدداً باو تعلق خواهد گرفت

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در این ماده مخالفتی ندارم مگر در آن استثنایش که میگوید مگر اینکه مطابق قانون ملکیت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بزوجه تحمیل شود. بنده عرض میکنم که گمان نمیکنم ما مجبور باشیم قانون ملکیت او را مراعات کنیم ما باید زن ایرانی که بزوجیت خارجی داخل میشود ایرانی بدانیم چه اینکه ملکیت شوهر تابعیت زوج را بزوجه تحمیل بکند یا نکند ما قانون برای ملکیت خودمان میگذرانیم و اصلاح خودمان می میکنیم حالا باخارجیه قبول میکند یا نمیکند در هر حال ما مجبور برعایت قانون ملکیت او نیستیم و لازم نیست که منفعت غیر را در این مورد قبول کنیم. باین ملاحظه بنده باین قسمت از ماده مخالف.

مخبر - موافقت با این ماده مقتضی يك مقدماتی است

که بنده اجمالا عرض میکنم. مطابق قوانین و اصول حقوق بین الملل اگر قوانینی راجع به تحمیل تبعیت بک مملکتی در نتیجه ازدواج موجود باشد آن قوانین در همه جا محترم است منتهی معامله متقابله میشود یعنی همانطوری که در آن مملکت بیک کسی تحمیل میشود در اینجا هم اگر شد همانطور رفتار و معامله متقابله میشود و اگر اینطور نباشد مشکلاتی پیش میآید - و هرگاه تصور بفرمائید که خدای نخواستہ ضرری از این جهت متوجه مملکت بشود نمیشود و معامله متقابله است زیرا اصل این است که وقتی بک ازدواجی واقع میشود روی صداقت و اصلاح واقع میشود و اگر افتراق و تفریق هم واقع شود که آنوقت خودش تبعهٔ ایران میشود و حمایت ازش میشود اشکالی هم ندارد.

رئیس - دیگر مخالفی ندارد ؟
(گفته شد خیر)

رئیس - رای میگیریم بپارهٔ دوازدهم آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم :

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - اتباع ایران نمی توانند تبعیت خود را ترك کنند مگر بشرايط ذیل :

۱ - بسن بیست سال تمام رسیده باشند ۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنانرا اجازه دهد ۳ - قبل از تمهد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقوله که در ایران دارا میباشدند و با ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه نملک آن را بانابع خارجه بدهد بنحوی از انحاء بانابع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که برطبق این ماده ترك تابعیت مینماید اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی

مخبر - شاید در مهالك دیگر هم اینطور باشد
رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - روی هم رفته قسمت اساسی این ماده متشکی باین اصل است که ترك تابعیت جز با نصوب هیئت وزراء صورت نگیرد بنظر بنده این منظور بیش از صلاحیت هیئت وزراء است و اگر چنانچه آقای مخبر توضیحی بدهند و آقایان محترم هم موافقت بفرمایند که روی همان نظر تضییق پیش تر بروند و موافقت بکنند و علاوه بر تصویب هیئت وزراء تصویب بک مقام صلاحیت دار دیگری را هم در نظر بگیرند که آن نظر تضییق بیشتر و بهتر رعایت بشود در موقع ترك تابعیت ایران. این بنظر بنده بهتر است

مخبر - بنظر بنده موافق اصول مشروطیت عالیترین مقام مسئول در مقابل مجلس شورای ملی هیئت وزراء است (صحیح است) بعلاوه معتقد هستم وقتی که نماینده محترم گفتند بک مقام دیگری خوب بود اشاره میفرمودند که آن مقام چه مقامی است ؟ آن مقام مجلس است یا مقام منبع سلطنت ؟ در هر صورت این مطلبی را که ایشان می فرمایند سابقه در هیچ جا ندارد و مناسب هم نیست و نمیشود گفت که هیئت وزراء برای این کار کوچک است خیر. هیئت وزراء خیلی اهمیت دارد و این کار هم خیلی مهم است

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

رئیس - مخالفی نیست ؟

آقا سید یعقوب - بنده بک عرضی داشتم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آتر چه بنده خودم عضو کمیسیون عدلیه هستم ولی حالا بک نظری برابم پیدا شد و آن

این است که این جا در ماده نوشته است : (خوب است) آقای مخبر توجه بفرمایند

۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنانرا اجازه دهد بعد در آخر ماده مینویسد: در قسمت سوم راجع باولاد صغیر و کبیر : مگر این که اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد این را بنده نمیدانم چه چیز است. و تعجب. میگویم هیئت وزراء نسبت بشخصی که میخواهد از تبعیت خارج شود با آن ترتیبات و شرایط سخت کبیری میکند کاملاً هم سختگیری میکند ولی بطور ما بیائیم و حالا مطلقاً اجازه بدهیم که هیئت وزراء نسبت بخودش هیچ ولی نسبت باولاد و صغارش هم حکم کند بنده این را عقیده ندارم که بغیر از خودش که مرتد سیاسی است (بعد هم مؤمن میشود ها اشتباه نشود اینرا بدانید) مرتد سیاسی واقع شده است غیر از این مرتد سیاسی را هیئت وزراء حق نداشته باشد حکم بدهد که شامل اولاد و صغارش هم بشود و فقط راجع بخودش باشد ولی نسبت باولادش بنده نمیتوانم چنین حقی را مطلقاً قبول کنم.

مخبر - عرض کنم که بنظر بنده این ماده در معنی مؤید آن نظری است که خود آقای نماینده محترم دارند یعنی تبعیت پدر ظاهرأ اقتضا میکند که نسبت باولاد صغیر هم مؤثر باشد چنانچه در مواد قبل تصریح شده است و بنابراین مطابق این اقتضا مقتضی بود که گفته شود این حکم نسبت باولاد صغیر اوه و ثراست ولی اینجا ما این نظر را در این ماده منع کردیم و گفتیم مگر اینکه هیئت وزراء اجازه بدهد یعنی حکم فقط راجع بخود او است مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل اولاد او بشود. اما اینکه جنابعالی تعجب کردید از فرض این قضیه بنظر بنده هیچ این فرض قابل تعجب نیست همین که میفرمائید بک ایرانی که ترك تبعیتش ممکن التصویب است و این بک فرضی است (امروز هم بک موردی نشده است که بک همچو اتفاقی بیفتد) فرضی هم هست که کسی از تبعیت ایرانی خارج

شود و تبعیت او هم مؤثر در تبعیت اولاد کبیر و صغیرش
نیباشد و حتی مطابق این ماده حق ولایت شرعی هم نسبت
با اولاد صغیرش پیدا نمی کند

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود و گمان میکنم
پیشنهادات هم مؤید بیانات آقای آقا سید یعقوب است
(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که سن بیست سال در این ماده به
هیجده سال تبدیل شود . روحی

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ عوض بیست سال هیجده
سال تمام نوشته شود . یعقوب الموسوی

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - بنده با این پیشنهاد موافقم

(۴ - ختم جلسه و موقع دستور جلسه شد)
رئیس - چند نفر از آقایان تقاضا میکنند قبل از
اینکه رأی باین ماده بگیریم برای اینکه خودشان را
محتاج بمطالعاتی در این ماده میدانند جلسه را ختم
کنیم بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را
ختم میکنیم .

عده از نمایندگان - صحیح است مخالفی ندارد

رئیس - جلسه آینده روز پنجشنبه چهارم شهریور
سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکرات در قانون
تابعیت .

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر